«فرهیختگان» بررسی می‌کند؛ ۴۵ چالش مهم اجتماعی که زندگی مردم را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و لیست‌های انتخاباتی درباره آن حرف خاصی نمی‌زنند

غایبان واقعی انتخابات

ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

روزشمار انتخابات مجلس شورای اسلامی آغاز شده، نامزدها درحال تدارکات تبلیغاتی هستند و بازار شعارها و وعده‌ها هم حسابی داغ است. هرکدام از نامزدها و جریانات سیاسی با تکیه بر شعارهای خاص درصدد جلب توجه مردم هستند تا در این فضا هواداران‌شان را به یک صندوق‌های رای بیاورند و با تکیه بر همین آرا راهی بهارستان شوند. بخشی از اصولگرایان درگیر مساله وحدت هستند اصلاح‌طلبان هم با مظلوم‌نمایی سعی می‌کنند دست خالی خود برای حضور در انتخابات را مخفی کنند و سایر گروه‌ها و افراد هم به حد وسع و توان خود تلاش می‌کنند تا شاید این مجلس با مجالس قبل تفاوت‌هایی داشته باشد و برخلاف چند سال اخیر، حرف مردم، درد مردم و مطالبه مردم در مجلسی که در راس امور قرار دارد، بیان و پیگیری و حل‌وفصل شود.

حالا اما در کنار این معادلات سیاسی و جناحی، به‌واقع مطالبات مردم در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... چیست؟ پرسشی که شاید مولفه‌هایی از پاسخ به آن را در برخی شعارها دیده باشیم، اما آنچه مشخص است و از گذشته مجلس جاری و مجالس گذشته برمی‌آید این است که آنچه نمایندگان برای آن راهی بهارستان شده‌اند، یا آنچه مردم در جامعه مطالبه می‌کنند، فاصله‌های اساسی دارد. با توجه به همین ماجرا و پیگیری مطالبات عمومی، هم از نگاه مردم و هم کارشناسان و متخصصان به گفت‌وگو با برخی صاحب‌نظران این حوزه پرداختیم و در کنار مسائلی که در همین جریده بارها و بارها طرح مختلف به آنها پرداختیم، این نظرات را هم می‌خوانیم تا شاید نامزدهای انتخاباتی و مشتاقان صندلی‌های سبز بهارستان، به جای ارائه شعارهای اغلب دست‌نیافتنی، به واقعیت مطالبات آشنا شوند و به شرط ورود به مجلس شورای اسلامی، گره از کار مردم باز کنند. با توجه به تقسیم‌بندی‌های مرسوم حوزه اجتماعی، مطالباتی را در ارتباط با مسائل مربوط به نظام آموزشی کشور، محیط‌زیست، حقوق و قضا، سلامت و بهداشت، کارگری، جوانان، آسیب‌های اجتماعی، شهر و مسکن و فناوری و ارتباطات مطرح کردیم که در ادامه آن را می‌خوانید.

شهر و مسکن | خروج زمین و مسکن از حالت کالایی و دوری از منطق بازار

مطالبات اصلی| الزام اجرای سیاست‌هایی که زمین و مسکن را از حالت کالایی خارج می‌کند، الزام اجرای سیاست‌های مالیاتی در حوزه زمین و مسکن، تعیین تکلیف و اجرای طرح کاداستر، بازنگری جدی در طرح‌های تفصیلی شهرها و نگارش دوباره آنها، ایجاد و توسعه مسکن اجتماعی، تعیین تکلیف شورابازی‌ها و حیطه وظایف آنها، افزایش فضای دموکراتیک شهری و مداخله شهروندان، دوری از سازه‌محوری در مدیریت شهری، ایجاد درآمد پایدار برای شهرها به جای شهرفروشی و...

|||

مسائل مربوط به شهر و مسکن یکی از اصلی‌ترین درگیری‌ها و دغدغه‌های عمومی مردم است. ترافیک، ساختمان‌سازی، حقوق شهروندی، آلودگی هوا، توسعه و سرمایه‌محوری و... همه بخشی از مسائلی است که مردم در دوره مدیریتی در شهرها با آن درگیر بوده‌اند و حداعلای این درگیری در پایتخت هویداست. آنجا که زمین و شهر به کالایی جهت فروش و مبادله تبدیل می‌شود، آنجایی که سرمایه‌دار اقیمت زمین و مسکن را با منطق بازار تعیین می‌کنند و روزبه‌روز به طبقات سازه‌ها و میزان سرمایه خود می‌افزایند و در مقابل رویای خانه‌دار شدن و حق شهروندی را از دو طبقات کم‌برخوردارتر می‌کنند. افزایش بی‌منطق عوارض شهری، عدم دسترسی به حمل‌ونقل عمومی مناسب، گران‌ارزاندن شدن خوراک و حساب بازکردن روی جیب مردم برای پوشش کسری هزینه‌ها هم بخش دیگری از درگیری‌های مردم خصوصا در کلانشهرها را تشکیل می‌دهد.

با همین مقدمه با امیرحسانی، جامعه‌شناس شهری به گفت‌وگو پرداختیم و او در ارتباط با مطالبات از نمایندگان آینده مردم در مجلس شورای اسلامی در حوزه شهر و مسکن به «فرهیختگان» گفت: «ما یک‌سری سیاست‌هایی داریم که وجه کالایی زمین و شهر را ملغی می‌کند و از بازاری‌ارزاندشن شهر جلوگیری می‌کند. اما از آنجایی که این ملغی‌شدن یکباره اتفاق نمی‌افتد، نیاز است اما بتدا با قانونگذاری سیاست‌هایی رابیش بگیریم که تخفیفاتی را در این پروسه ایجاد کند. برای مثال دولت حتما در قیمت‌گذاری زمین و مسکن نظارت داشته باشد. مجلس باید این تکلیف را برای دولت تعیین کند. نباید گفته شود که ما بازار قیمت را تعیین کند. بعد از این باید سیاست‌های مالیاتی در حوزه مسکن اجرایی شود، ازجمله مالیات بر خانه‌های خالی. الزام اجرای طرح کاداستر زمین و مسکن یکی دیگر از مطالباتی است که نمایندگان مجلس می‌توانند پیگیری کنند. بااین طرح مشخص می‌شود چه کسی چه تعداد خانه دارد و درحال حاضر این امکان وجود ندارد و به همین خاطر امکان دریافت مالیات هم بلامموضوع می‌شود. اجرای طرح کاداستر در قیمت‌گذاری مسکن هم اثرگذار خواهد بود. یکی از مصادیق جدی اثرگذاری شهرداری‌ها در حوزه قیمت زمین و مسکن در شهرها پروژه‌های محرک توسعه هستند. یعنی مثلا در یک محله‌ای قیمت زمین پنج‌میلیون تومان است، شهرداری یک‌مال و مرکز خرید بزرگ و مجلل در آن محله و نزدیکی آن ایجاد می‌کند و قیمت زمین یکباره به متری ۱۰ میلیون تومان می‌رسد. این پروژه‌های محرک توسعه باید این شمایل منطقه‌شهری بدون دخالت مردم شهر برنامه‌ریزی کنند و پول میلیاردی بگیرند. بودجه‌ریزی شهری هم باید مشارکتی باشد. این شورابازی‌ها جز دلالی زمین باید کارهای دیگری هم کنند و مشارکت مردم را افزایش دهند. نکته مهم دیگر زیاده‌خوری در مدیریت شهری است. مجلس با قانونگذاری می‌تواند جلوی این ابرسازه‌ها رابگیرد و به رفاه اجتماعی، آرامش شهری و... توجه کند. ما باید به سمت شهری برویم که مولفه اصلی‌اش کیفیت زندگی، رفاه و خدمات رسانی باشد نه ایجاد پروژه‌هایی که محلی برای گردش سرمایه و سود سرمایه‌داران هستند. باید سرانه درمان، آموزش، فضای سبز و... محلات بالا باشد نه تعداد ساختمان‌ها و... دخل و خرج شهر هم باید روی عوارض پایدار شهری طبقه‌بندی شده و متناسب با سرمایه و دارایی شهروندان استوار باشد. نه این طور باشد که مملاً در دوره آقای قالیباف ۸۶ درصد درآمد شهری روی فروش تراکم و تغییر کاربری استوار باشد. اینها با قانونگذاری‌های نمایندگان در مجلس قابل‌وصول خواهد بود.»

نظام آموزشی | اصرار بر اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی و فراهم آوردن امکان آموزش رایگان و همگانی

مطالبات اصلی| اجرای کامل اصل ۳۰ قانون اساسی و آموزش رایگان و همه‌گیر برای مردم، جلوگیری از رشد و توسعه مدارس غیردولتی و پولی، جلوگیری از ایجاد رانت برای مسئولان آموزشی در ایجاد مدارس پولی و خاص، اجرای کامل و صحیح طرح رتبه‌بندی معلمان، ایجاد فضای هم‌اندیشی و نیازسنجی از سوی نمایندگان مجلس در حوزه آموزش، بازگذاشتن باب تفکر انتقادی در محافل دانشگاهی، جلوگیری از محرومیت از تحصیل دانش‌آموزان در مناطق دورافتاده و کم‌برخوردار و...

|||

همین الان یک کاغذ جلوی من بگذارند و بخواهند که از اولویت‌های اجتماعی و مطالبه از نمایندگان آینده مجلس شورای اسلامی بنویسم، درصدر اولویت‌ها به مساله نظام آموزشی کشور اشاره می‌کنم. ایجاد عدالت آموزشی در توسعه و بهبود کیفیت مدارس دولتی و جلوگیری از گسترش مدارس پولی و به‌اصطلاح غیرانتفاعی، رشد معیشت و اقتصاد معلمان و پوشش کمبود معلم‌های متخصص و دوری از به کارگیری خردخدمت‌ها، کوتاه کردن دست سیاست‌بازان اسلامی‌زدگان حوزه آموزش از مدرسه‌رای پولی و... همه بخشی از مطالباتی است که انتظار سروسامانی به اوضاع آشفته نظام آموزشی کشور بدهد. با این مقدمه کوتاه فریده حمیدی، روانشناس و عضو هیات علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» در ارتباط با مطالبات اصلی از نمایندگان آینده مجلس شورای اسلامی در زمینه نظام آموزشی کشور خاطرنشان کرد: «به نظر من باید یک نیازسنجی از کارشناسان، کارمندان و فعالان نظام آموزشی از سوی نهادهایی همچون مجلس شورای اسلامی در فواصل زمانی مشخص صورت گیرد. پژوهش‌ها باید به‌طور مستمر صورت گیرد و براساس اهداف و شاخص‌های برنامه توسعه برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات انجام شود. ما ضعف‌های جدی در این حوزه داریم و هربار که به آخر برنامه‌های توسعه می‌رسیم متوجه می‌شویم چقدر از برنامه‌ها عقب هستیم.

نکته دیگر اینکه ما تا فضای موجود در دانشگاه‌ها و محافل علمی را باز نکنیم و فرهیختگان و اساتید دانشگاه‌ها بدون اینکه احساس نگرانی داشته باشند اعلام‌نظر نکنند نمی‌توانیم به سمت و سوی درستی حرکت کنیم. ما همواره صحبت از هم‌اندیشی می‌کنیم ولی هیچوقت این فضا را نداریم؛ نیست و به همین دلیل بیشترین دغدغه اساتید دانشگاه‌ها باید نظریه‌پرداز باشند، اما در این رابطه به «فرهیختگان» گفت: «اولویت اول به نظر من این است که نامزدهای مجلس باید جایگاه سلامت را در اولویت گذاری‌هایشان مشخص کنند. ببینید در اکثر کشورهای اروپایی یک‌سوم علل اثرگذار در پیروزی و شکست احزاب در انتخابات‌ها مربوط به برنامه‌های آنها در حوزه سلامت است. هنوز در کشور ما این مساله جا نیفتاده است. باید مشخص شود سلامت چه در قانونگذاری‌ها، چه در برنامه‌ریزی‌ها و چه در بودجه‌ریزی‌ها چه جایگاهی دارد (مهاجرت از خوزستان، سیستان و بلوچستان و... به‌خاطر مسائل زیست‌محیطی مثل کم‌آبی و گرد و غبار و...)، طرح تفصیلی باید با توجه به این مسائل به‌طور کامل از ابتدا نوشته شود. یکی دیگر از کارهایی که باید انجام شود و مجلس در اجرا و الزام آن نقش ایفا می‌کند، مساله ایجاد مسکن اجتماعی است. مسکن اجتماعی درست و حسابی شهری، قیمت مسکن را کنترل می‌کند، علیه سوداگری است، ساختمان اشتغال ایجاد می‌کند، حجم قابل توجه جمعیت گسیخ‌خورد از صاحب خانه می‌شود و... داستان دیگر وجود دارد و مساله حق به شهر است. حق به شهر یعنی من و شما بتوانیم در شهر مداخله کنیم، اما شما می‌بینید مدیریت شهری دست من و شمایی که سرمایه نداریم را می‌بندد و دست سرمایه‌دار را باز می‌گذارد چون به دنبال درآمدزایی و برگردن جیب خودش است. درنتیجه هرچقدر از حقوق شهروندی بگویید، مادامی که این نگاه سرمایه‌محور وجود دارد راه به جایی نمی‌برد. هیچوقت درباره اینکه دست مردم را در مسائل شهری بازبگذارید چرخ نمی‌زنیم و نزدیم. نباید یک عده طراح در دفتری بنشینند و برای یک منطقه‌شهری، بدون دخالت مردم شهر برنامه‌ریزی کنند و پول میلیاردی بگیرند. بودجه‌ریزی شهری هم باید مشارکتی باشد. این شورابازی‌ها جز دلالی زمین باید کارهای دیگری هم کنند و مشارکت مردم را افزایش دهند. نکته مهم دیگر سازه‌محوری در مدیریت شهری است. مجلس با قانونگذاری می‌تواند جلوی این ابرسازه‌ها رابگیرد و به رفاه اجتماعی، آرامش شهری و... توجه کند. ما باید به سمت شهری برویم که مولفه اصلی‌اش کیفیت زندگی، رفاه و خدمات رسانی باشد نه ایجاد پروژه‌هایی که محلی برای گردش سرمایه و سود سرمایه‌داران هستند. باید سرانه درمان، آموزش، فضای سبز و... محلات بالا باشد نه تعداد ساختمان‌ها و... دخل و خرج شهر هم باید روی عوارض پایدار شهری طبقه‌بندی شده و متناسب با سرمایه و دارایی شهروندان استوار باشد. نه این طور باشد که مملاً در دوره آقای قالیباف ۸۶ درصد درآمد شهری روی فروش تراکم و تغییر کاربری استوار باشد. اینها با قانونگذاری‌های نمایندگان در مجلس قابل‌وصول خواهد بود.»

حقوق و قضا | اصلاح قوانین در نهاد قانونگذاری

مطالبات اصلی| اصلاح کلان نظام قانونگذاری کشور، تقویت عملکرد نظارتی مجلس بر رفتار نمایندگان، افزایش شفافیت مجلس، پاسخگویی مجلس در برابر مردم یا در دسترس بودن مجلس برای مردم، تقویت ارتباط با نهادهای مدنی به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد و...

|||

حوزه حقوق و قضا حتما در نهاد قانونگذاری از اهمیت بالایی برخوردار است. شفافیت، نظارت بر رفتار نمایندگان، تغییرات در برخی قوانین و موضوعاتی را این دست در حیطه مسائل مربوط به حقوق و قضاست که در مجلس آینده بیش از گذشته از آن خواهیم شنید. در ارتباط با مطالبات مرتبط با این حوزه از نمایندگان در این زمینه از نمایندگان شاهد نبودیم که نیازمند اصلاح و تقویت و بهبود است. تا وقتی نظارت بر خود مقامات کشور و به‌خصوص نمایندها نداشته باشیم نمی‌توان انتظار داشت عملکرد روشنی بر سایر ارکان حاکمیت داشته باشند. موضوع دوم افزایش شفافیت مجلس است. متاسفانه فرآیندهای پارلمانی در اکثر استان‌ها و مناطق مطلوبی درخصوص شفافیت برخوردار نیست. فرآیندهای تقنینی و فرآیندهای اعمال صلاحیت‌های نظارتی مجلس و بهویژه آنچه در کمیسیون‌های مجلس می‌گذرد اصلا شفافیت کافی را ندارد. حتی جامعه نخبگان خیلی مواقع مطلع نیستند در مجلس و کمیسیون‌های مجلس چه می‌گذرد. درحالی که باید مردم و جامعه نخبگان و جامعه مخاطبی که قانون برای آنها تصویب می‌شود، اشراف کافی درباره عملکرد مجلس داشته باشند. مجلس نماینده مردم است. قوه وجوبات آن هم به این است با مردم ارتباط روشن‌تر و شفاف‌تر داشته باشد. موضوع چهارم بحث پاسخگویی مجلس در برابر مردم یا در دسترس بودن مجلس برای مردم است. بایدمردم به‌ویژه‌همان جامعه‌نخبگان بتوانند دسترسی روشنی به مجلس داشته باشند. الگوهای بسیار روشنی در جامعه جهانی داریم که پارلمان را چگونه در دسترس مردم قرار می‌دهند. برای ارتباط گیری مردم و شهروندان هیچ سازوکاری نداریم که جمعی از شهروندان به‌ویژه نخبگان دانشگاهی بتوانند پیشنهادهای تقنینی به مجلس بدهند، پیشنهادهای اصلاحی در طرح‌ها و لوایح جاری مجلس بدهند، پیشنهادهای عملکردی به مجلس بدهند. باید سازوکارهای اینها در مجلس طراحی شود. مجلس مانیازمند نزدیکی هرچه بیشتر به بدنه اجتماعی مردم، جامعه نخبگان و نهادهای واسط و مردمی و پاسخگویی بهتر نسبت به عملکرد خود در برابر مردم است. نکته بعدی حضور نهادهای مدنی و تقویت ارتباط با آنها به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد است. با نهادهای مدنی و مردمی را اساسا در کشور خیلی فعال نکردیم. تمام بار مسئولیت را در دوش حاکمیت گذاشتیم. نتیجه این می‌شود که حاکمیت زیرحجم بار مسئولیت روی زمین می‌افتد و نمی‌تواند بار سنگین و عظیم مسئولیت را در تمامی ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حوزه‌های مختلف به دوش بکشد. باید این حوزه را گسترده کنیم و این انتظار در درجه اول از مردمی‌ترین نهاد حاکمیت یعنی مجلس سر رود. انتظار داشتیم وقایع جای پای جدی نهادهای مدنی به‌ویژه نهادهای مردم‌نهاد را در کمیسیون‌های مختلف مجلس ببینیم. شخصا انتظار دارم اگر شهروندی به کمیسیون مراجعه می‌کند بیندیک کسی

نباید ابزار صرفا مشورتی برای نمایندگان باشد بلکه باید یک کارشناسی باشد که اصل عمل بر مدار نظر آنها باشد، مگر اینکه خلاف این ابزات شود. ق‌قیقارعکس وضعیتی که امروز وجود دارد. موضوع دوم که مجلس نیازمند آن است، تقویت عملکرد نظارتی مجلس بر رفتار نمایندگان است. قانون نظارت بر رفتار نمایندگان را در پیوندی متاسفانه با مخالفت‌های جدی که در مجلس در ادوار گذشته با تصویب و ابعاد آن شد به زعم من به شیر بی‌یال و دم و تبدیل شده که عملا کارایی خاصی ندارد و متاسفانه سال‌های سال هیچ گونه ابزار نظارتی برای عملکرد بر رفتار نمایندگان نداشتیم و بعد از پیگیری‌های مستمر رهبری که ۳-۴ دوره از نمایندگان مطالبه کردند، یک متنی نوشته شد که خیلی ناقص است، یعنی عملا عملکرد قابل قبولی را در این زمینه از نمایندگان شاهد نبودیم که نیازمند اصلاح و تقویت و بهبود است. تا وقتی نظارت بر خود مقامات کشور و به‌خصوص نمایندها نداشته باشیم نمی‌توان انتظار داشت عملکرد روشنی بر سایر ارکان حاکمیت داشته باشند. موضوع‌سوم افزایش شفافیت مجلس است. متاسفانه فرآیندهای پارلمانی در اکثر استان‌ها و مناطق مطلوبی درخصوص شفافیت برخوردار نیست. فرآیندهای تقنینی و فرآیندهای اعمال صلاحیت‌های نظارتی مجلس و بهویژه آنچه در کمیسیون‌های مجلس می‌گذرد اصلا شفافیت کافی را ندارد. حتی جامعه نخبگان خیلی مواقع مطلع نیستند در مجلس و کمیسیون‌های مجلس چه می‌گذرد. درحالی که باید مردم و جامعه نخبگان و جامعه مخاطبی که قانون برای آنها تصویب می‌شود، اشراف کافی درباره عملکرد مجلس داشته باشند. مجلس نماینده مردم است. به نهادهای مردم‌نهاد در حوزه فعالیت کمیسیون اختصاص داده شده است. متاسفانه اساسا چنین رویکردهایی را شاهد نیستیم و در مجلس نمی‌بینیم. موضوع ششم بحث لزوم تنقیح قوانین و مقررات کشور است. حدود ۱۰ سال پیش از این قانون تنقیح قوانین را تصویب کردیم. معاونت قوانین در مجلس تشکیل شد و اقدامات متعددی درباره قوانین در معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری انجام شد.

هزینه‌های بسیار زیادی انجام شده ولی خروجی محسوس و ملموسی از این مشاهده نشده است. همچنان شاهد تلنبار گسترده متون و قوانین هستیم. آماری که دارم این است که بیش از ۱۰ هزار عنوان ما را و بیش از ۱۱ هزار مقرره دولتی دارد. در علم حقوق خوانی داریم که اصل علیه ظاهر قانون است، یعنی عملا شهروندان قانون ومقررات رامی دانند و چه حقوقی و کتالیفی دارند. به زعم من، با این وضعیت قانونگذاری و تنقیحی قانون که در کشور داریم، حقیقتا نمی‌توانیم ادعا کنیم اصل در کشور ما علم به قانون است یعنی شهروندان می‌دانند چه قانونی وجود دارد. حتی به کمان من واضعان قانون یعنی نمایندگان محترم مجلس و حقوقدانان هم نمی‌توانیم بگوییم علم به همه قوانین دارند، چه برسد به شهروندان عادی. اجرا کامل نظام تنقیحی مشخصی برای قوانین خود نداریم. شلختگی در حوزه قانون را جدا هستیم. یکی از مطالبات ترحق حقوقی مردم، ایجاد نظام رفاه کارشناس قوانین و وضع قوانین و تنقیح و اطلاع‌رسانی قوانین است. ما آموزش حقوق و قانون به مردم نمی‌دهیم. مردم اگر بخواهند متوجه شوند چه نظامی بر کسب‌وکار آنها حاکم است واقعا باید سختی بکشند، هزینه به دهند تا متوجه شوند و درنهایت ممکن است به بیراهه بروند. این را مجلس باید تدبر کند.»

کارگری | معیشت کارگران و مشاغل غیررسمی دو معضل اصلی حوزه کارگری

مطالبات اصلی| تعیین حقوق براساس سقف معیشت، ساماندهی و مواجهه ایجابی مشاغل غیررسمی، تعیین دستمزد منطقه‌ای، توجه به تورم شدید ناشی از تصمیمات ناگهانی و...

|||

مطالبات کارگری، وضعیت بد معیشتی، معوقات حقوق، رنود سندیکا یا پاسخ به آن را در برخی شعارها دیده باشیم، اما آنچه مشخص است و از گذشته مجلس جاری و مجالس گذشته برمی‌آید این است که آنچه نمایندگان برای آن راهی بهارستان شده‌اند، یا آنچه مردم در جامعه مطالبه می‌کنند، فاصله‌های اساسی دارد. با توجه به همین ماجرا و پیگیری مطالبات عمومی، هم از نگاه مردم و هم کارشناسان و متخصصان به گفت‌وگو با برخی صاحب‌نظران این حوزه پرداختیم و در کنار مسائلی که در همین جریده بارها و بارها طرح مختلف به آنها پرداختیم، این نظرات را هم می‌خوانیم تا شاید نامزدهای انتخاباتی و مشتاقان صندلی‌های سبز بهارستان، به جای ارائه شعارهای اغلب دست‌نیافتنی، به واقعیت مطالبات آشنا شوند و به شرط ورود به مجلس شورای اسلامی، گره از کار مردم باز کنند. با توجه به تقسیم‌بندی‌های مرسوم حوزه اجتماعی، مطالباتی را در ارتباط با مسائل مربوط به نظام آموزشی کشور، محیط‌زیست، حقوق و قضا، سلامت و بهداشت، کارگری، جوانان، آسیب‌های اجتماعی، شهر و مسکن و فناوری و ارتباطات مطرح کردیم که در ادامه آن را می‌خوانید.

هم گران شد و چاز تورم شدیدی شدیم. در این دستمزد کارگر ثابت است وقتی اسفند سال ۹۷ تعیین می‌شود تا اسفند ۹۸ همان دستمزد است و حالا تورم ۵۰ درصد یا ۱۰۰ درصد شد هیچ فرقی نمی‌کند. دو ابراد وجود دارد در بحران‌های اینچنینی همانند تورم شدید باید دستمزد کارگر بازبینی شود و دومی این است که این دستمزد باید واقعی شود. دستمزد کارگران مطابق سبد معیشت آنهاست و این اتفاق نمی‌افتد، مگر اینکه دستمزد منطقه‌ای تعیین شود. یعنی در هر منطقه دستمزد هر کارگر مطابق با سبد معیشت آن باشد. اگر بخواهیم کل کشور را سه میلیون تومان بگذاریم بسیاری از صنایع یا که اکثر هم توان رقابت ندارند و توان تولید ندارند به ورشکستگی می‌رسند و چند کارگری که کاری هم دارند، بیکار می‌شوند و کوشه‌نشین، بدتر می‌شود ولی وقتی منطقه‌ای تعیین شود استان‌هایی که هزینه‌های زندگی در آنها پایین‌تر است، دستمزد پایین‌تری می‌گیرند و آنهایی که هماندند تهران شهرهای بزرگ هستند و هزینه‌های زندگی بیشتر است، دستمزد بیشتری می‌گیرند. خیلی هایی گویند اگر این اتفاق بیفتد موجب می‌شود همه دوست داشته باشند در تهران و شهرهای بزرگ مشغول کار شوند. اتفاقا این اتفاق رخ نمی‌دهد بلکه مهاجرت معکوس شکل می‌گیرد به این دلیل که جای کار را کارفرما مشخص می‌کند، نه کارگر! اگر کار نباشد کارگر بیاید کاری نمی‌تواند انجام دهد و باید جایی برود که کار وجود دارد. کارفرماها جمع می‌شوند و واحدهای خود را در مناطقی می‌برند که دستمزد کارگر کمتر می‌شود. هم آنها سود می‌برند و هم معیشت کارگر نمیبین می‌شود. اتفاقا همین الان که کل کشور یک‌تامین نمی‌شود کارفرماها مالکانات و زیرساخت‌های رفاهی شهرهای بزرگ را رهاکنی کنند و در روستاها بروند چون جمع دستمزدیک است. اگر یک واحد تولیدی که هزار کارگر دارد یک میلیون حقوق کارگران را افزایش دهد یک میلیارد هزینه‌هایش زیاد می‌شود درنتیجه همه تلاش خود را می‌کنند تا هزینه را بکاهند. در کشورهای متعدد همه تلاش خود را می‌کنند تا هزینه را بکاهند. در مناطق محروم‌تر، نابودی جنگل‌ها و مرگ حیوانات و همه مولفه‌هایی که مسئولیتش با این سازمان است، حل شود. اگر مجلس جدید بتواند در این حوزه گام‌های موثر بردارد، اتفاق خیلی مهمی است. موضوع دیگر ساماندهی فعالیت تشکل‌های مردم‌نهاد، از ابتدای دولت آقای روحانی قرار بوده است لایحه جدیدی برای ساماندهی به وضعیت ما سیاستگذارش هستیم و رصد می‌کنیم، عملیات اجرایی اش در سال ۳۰ تا ۵۰ درصد از تکالیفش باشد و پایان سال همان اعتبار را با ضریب افزایش دریافت کند، عملا در حال هم‌دردانی منابع کشور هستیم و آن جایگاهی هم که برای سیاستگذاری می‌گیریم، هیچ اختیار عملکردی ندارد. این ساختار باید تغییر کند، هم از لحاظ جایگاه و هم از جهت نظارت بر اعتبارات و... فکر می‌کنم تا وقتی در این ساختار هستیم و مدل اعتبارات همین است در حوزه جوانان هیچ کار خاص دیگری نمی‌توان کرد. هرسال ضریب بیکاری افزایش پیدا می‌کند، ازدواج کاهش پیدا می‌کند و هیچ کسی هم پاسخگو نیست و هم نمی‌توانیم دخالتی کنیم که کسی پاسخگو باشد. بعد خود حوزه‌ای هم که این کار به آن واگذار شده درحقیقت معاونت جوانان وزارت ورزش و جوانان است که اعتبار خاصی نمی‌گیرد و این اعتبار موجود هم بیشتر شبیه یک نوع کار تبلیغاتی است. یعنی ما سال گذشته با همه توانی که در کشور داشتیم، اعتباری که به ما تخصیص پیدا کرد، مجموعا ۵۰ میلیارد تومان نبود، یعنی ما به هر استان این قانون را گفتیم ۱۰ میلیارد تومان می‌توانیم پول بدهیم برای تمام برنامه‌ها و سیاست‌ها و... حوزه جوانان. مشخص است با این اعتبار اصلا قابلیت انجام کار خاصی نیست، هر استان ۱/۵ میلیارد تومان یعنی سهم هر جوان دوهزار تومان در سال، واقعا با دوهزار تومان در سال که کاری می‌توان برای جوانان کرد؟ اگر ۲ میلیارد مجلس می‌خواهند فکری کنند حتما اول این جایگاه و اعتبارات و تقسیم‌بندی بودجه‌های جوانان را به جایی برسانند و فکری برای آن بکنند بعد سراغ برنامه‌های آنی این حوزه‌ها بروند. این ساختار، ساختار معیوبی است، ما هم به برنامه و بودجه، هم به آقایان مجلس عامله کردیم اگر قرار باشد نهادی در یک حوزه مشخص که

جوانان | ایجاد تشکیلات مستقل قدرتمند برای پیگیری و به سرانجام رساندن مطالبات جوانان

مطالبات اصلی| به سرانجام رساندن لایحه تفکیک سازمان ملی جوانان از وزارت ورزش و جوانان، حل معضل تعدد دستگاه‌های متولی در حوزه جوانان و عدم‌پاسخگویی، ایجاد سازوکار نظارتی برای نهادهای متولی در حوزه جوانان و...

|||

نوشتن از مطالبات جوانان حتما آنقدر زیاد و زمانبر خواهد بود که هرچه بگوییم چیزی از قلم بیفتد، از مصائب اشتغال و وضعیت معیشت و اقتصاد تا ازدواج و فراغت و آسیب‌های اجتماعی مربوط به آنها اما مهم‌تر از همه این مطالبات بررسی نهادی است که باید سیاستگذاری و پیگیری مطالبات جوانان هستند و بودجه مشخصی هم برای این ساماندهی وجود ندارد. این ساختار، ساختار معیوبی است، ما هم به برنامه و بودجه، هم به آقایان مجلس عامله کردیم اگر قرار باشد نهادی در یک حوزه مشخص که که موضوع ورزش و جوانان‌شان به صورت یک وزارتخانه انجام می‌شود، بخش جوانان‌شان فقط شامل اوقات فراغت می‌شود و ساختارگری و برهبده گرفتن برنامه‌های عملیاتی را شامل نمی‌شود. اگر واقعا این مجلس می‌خواهد برای حوزه جوانان کاری کند باید ابتدا فکری به حل جایگاه واقعی این حوزه کند و به یک جمع‌بندی برسند چون ترکیبش با ورش درست نیست. بحث دیگر اینکه تقریبا ۳۲ دستگاه در حوزه جوانان در ستاد ساماندهی جوانان عضو هستند. مشکلی که آنجا داریم بحث اعتبارات و بودجه‌هاست. علی‌رغم اینکه ما در حوزه جوانان ۳۲ دستگاه مسئول داریم با عناوین مختلف اعتبارات دریافت می‌کنند، هیچ نظارت و اشرافی به این بودجه‌ها نداریم. ازدواج، بهداشت، کار، اقتصاد، روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی‌ورزشی و... همه مسائلی است که نهادهای مختلفی برای پیشبرد اهداف جوانان در آنها بودجه می‌گیرند اما شاهد خروجی درخوری نیستیم.

ما هم در جایگاه فعلی امکان هیچ دخل و تصرف و حق دخالت در اعتبارات این دستگاه‌ها را نداریم. به عنوان سیاستگذار هم اعتباری نداریم که بخواهیم به این دستگاه باب شرح عملیاتی که اعلام می‌کنیم برای اجرا بدهیم. ما هرسال گزارش‌هایی را در ارتباط با عملکرد نامطلوب دستگاه‌های مختلف در حوزه جوانان می‌دهیم اما علی‌رغم این گزارش‌ها باز همان اعتبارات هرسال تخصیص پیدا می‌کند و ضریب افزایش هم می‌خورد. یعنی عملا هیچ نتیجه‌گیری‌ای هم در بحث اعتبارات ساختارهایی که در حوزه جوانان کار می‌کنند، وجود ندارد. این ساختار، ساختار معیوبی است، ما هم به برنامه و بودجه، هم به آقایان مجلس عامله کردیم اگر قرار باشد نهادی در یک حوزه مشخص که

محیط‌زیست | خروج فراکسیون محیط‌زیست مجلس از حالت انفعالی

مطالبات اصلی| ایجاد استقلال بین نهادهای متولی حوزه محیط‌زیست، تبدیل سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری به یک نهاد پاسخگو، پاسخگو کردن متولیان حوزه حفاظت محیط‌زیست به مردم به جای رئیس‌جمهور و... ، ساماندهی به وضعیت تشکل‌های مردم‌نهاد و...

|||

آلودگی هوا، سیل، زلزله، مرگ پرندگان، آتش‌سوزی جنگل‌ها، جولان آلودی‌ها در مناطق بکر طبیعت و آسیب به آن، طرح‌های انتقال آب، خشکسالی و... همه بخشی از مسائلی است که ذیل کلان مسائل محیط‌زیست کشورمان تعریف می‌شوند و مدت‌هاست و خصوصا در سال ۹۸ بیش از گذشته از آنها شنیده‌ایم و با آنها مواجه شدیم. سیلاب‌های ابتدای سال ۹۸، سیلاب بلوچستان، بارش‌های بی‌سابقه شمال کشور، مرگ چندهزار پرنده مهاجر و... همه بخشی از مسائل مهمی است که متاسفانه تحت‌مدیریت ضعیف سازمان حفاظت محیط‌زیست و بی‌توجهی دولت‌ها درحال وقوع هستند. این نعمات الهی ذیل همین مدیریت ناکارآمد در حال تبدیل شدن به مصیبت هستند و به قول فعالان این حوزه این بی‌محلی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها گریبان ما را بیش از پیش خواهد گرفت. با این وجود یکی از نهادهایی که با قانونگذاری‌ها و توجه صحیح به سیاست‌ها حفاظت محیط‌زیست می‌تواند این کرختی مدیریتی را از سر منابع بکر و طبیعی کشور ماپرداز، مجلس شورای اسلامی است.

محمد درویش، فعال و پژوهشگر محیط‌زیست در تشریح مطالبات از مجلس آینده در حوزه محیط‌زیست در یک تحلیل کوتاه خاطرنشان کرد: «به نظرمن مهم‌ترین اولویتی که مجلس باید به آن بپردازد وضعیت نابسامان متولیان منابع طبیعی و محیط‌زیست کشور است که همچنان هم در یک بلاتکلیفی عجیبی غوطه‌ور هستند. این مطالبه جدی همه صاحب‌نظران حوزه منابع طبیعی است. خود سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور از یک وزارتخانه اجرایی جدا و خود به یک وزارتخانه مستقل تبدیل شود تا بتواند واقعا به‌عنوان متولی نزدیک به ۹۰ میلیون هکتار از وسعت کشور وظایف خودش را به درستی انجام دهد. از طرف دیگر سازمان حفاظت محیط‌زیست به جای اینکه به مردم پاسخگو باشد ترجیح می‌دهد به رئیس‌جمهور پاسخ دهد و تبدیل شده است به حیاط‌خلوت دولت‌ها تا کنون این سازمان از اختیار لازم برخوردار نباشد و تبدیل به یک وزارتخانه بروکرت و پاسخگو نشود به نظر نمی‌رسد آلودگی هوا، نابودی جنگل‌ها و مرگ حیوانات و همه مولفه‌هایی که مسئولیتش با این سازمان است، حل شود. اگر مجلس جدید بتواند در این حوزه گام‌های موثر بردارد، اتفاق خیلی مهمی است. موضوع دیگر ساماندهی فعالیت تشکل‌های مردم‌نهاد، از ابتدای دولت آقای روحانی قرار بوده است لایحه جدیدی برای ساماندهی به وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد به مجلس ارائه شود. مجلس هم چندبار تهدید کرد اگر شما طرحی ارائه نکنید خودمان طرحی را در این رابطه ارائه می‌کنیم. ولی عملا نه تنها دولت طرحی ارائ